

نامهای گیاهان درمتون قدیم و تطبیق آنها با اصطلاحات امروزی زبان فارسی

بقلم آقای محمد مشیری

قسمت اول از کتاب مخزن الادویه

۱ - آبخ = زعرور

نام علمی آن *Crataegus* و از تیره (گل سرخ) *Rosaceae* می باشد. درخت یا درختچه های کوچک و غالباً دارای متجاوز از ۵ گونه و بخصوص نیمکره شمالی است. دارای برگهای متناوب و ساده، دنداندار و گلهای سفید یا قرمز می باشد. میوه آنها شفت مانند و دارای هسته سخت است.

گونه های معروف آن در ایران عبارتند از:

- زالزالک وحشی. *Crataegus Pentagyna*.

- سرخ ولیک (درگرگان). *C. monogyna*.

- سیاه ولیک. *C. ambigua*.

- سرخ ولیک. *C. azarella*.

بطور کلی گونه های متنوع این گیاهان از نظر آنکه میوه هائی به رنگ سیاه یا سرخ داشته باشند به اساسی گوناگون به شرح زیر در نقاط شمالی ایران معروف می باشند:

گونه هائی که میوه های سیاه رنگ دارند به اساسی قره گیله، سیاه لله، سیاه کوتی، سیاه کوتیل، همیشهان، سیاه ولیک و غیره و گونه هائی که میوه های سرخ رنگ دارند به نامهای شال ولیک، سرخ ولیک، ولیک و غیره موسوم می باشند.

۱ - نامهای دیگر محلی: کمار (لاهیجان)، بجیل (راسر و شهنسوار)، سامیلی (ایله وند - رود گیلان)، مارح (دیلمان)، گرج (دره کرج)، گریچ (لرستان)، گورچ (زلفی ارستان)، گویچ (اطراف طهران و اصفهان)، گیچ (خلخال)، سیستن (بختیاری)، دلوق (درقریه لاین بین کرمانشاه و کردستان)، گیوژ (در سردشت)، کیالک (فارس)، قوش یمیشی (ارسباران)، من برو (طالش)، کم بور (درگرگان رود)، سرا لله (شفارود)، مگک کامپوره (اطراف رشت).

این درخت را در زبان انگلیسی به نامهای Hawthorn, White thorn, May و در زبان فرانسه Aubépine, Epine نامند .

در زبان عربی زعفرور (بضم ز) گویند . و صاحب برهان قاطع به غلط آنرا (بر وزن مغرور بفتح ز) آورده است .

۲ - آب دندان

جنسی از امرود و قسمی از انار و نوعی از حلوا است (توضیح صاحب کتاب) .

الف - امرود = گلابی

درخت گلابی از تیره (گل سرخ) Rosaceae و نام علمی آن *Pyrus communis* می باشد . دارای ریشه های عمیق و دوام نسبتاً زیاد است . برگهای بیضوی دنداندار و گلهای مجتمع بصورت دیمیم دارد . میوه اش گوشتدار و خوراکی است ، درخت گلابی در نواحی مختلف ایران پرورش می یابد . از انواع وحشی آن یکی *P. glabra* که در شیراز و مناطق کوهستانی لرستان و بختیاری می روید و به **انچوچک** موسوم می باشد ، که دانه آن درشت است و جزو تنقلات مصرف می شود . نامهای دیگر آن در ارسباران **قوش آرمید** یا **قوش آرموت** است . به زبان انگلیسی Pear tree و در فرانسه Poirier می نامند و بزبان عربی انجاص و اجاص و کمثری گفته می شود .

ب - انار

درخت انار از تیره (انار) Punicaceae و نام علمی آن *Punica granatum* می باشد و دارای شاخه های نامنظم و کم و بیش خاردار است . برگهای آن متقابل ، شفاف ، ساده و گلهای آن دارای گلبرگهایی به رنگ قرمز یا قرمز سبیل به ارغوانی است که درون کاسه چرمی ، قرمز رنگ جای دارند ، میوه آن کروی به بزرگی نارنج و گاهی بسیار درشت تر و محتوی دانه های بیشماری است که هر یک ، در بخش آبدار و قرمز رنگی محصور می باشند . در قسمت فوقانی میوه ، ۷ تا ۸ کاسبرگ گوشتدار و در داخل آن پرچه های فراوان دیده می شود . **انار** از میوه های بسیار خوب و مفید است . **آب انار** طعمی مطبوع و کمی قابض دارد . نوع وحشی این گیاه

۱ - نامهای محلی دیگر : آرموت (ارسباران) ، خرس آرموت (طالش) ، آسبرو (سفارود) ، همرو (منجیل) ، گال اربو (راسر - شهسوار - لاهیجان) ، سوتی - هم تولک (نور) ، تلکا (مازندران و گرگان) ، تلکو (کتول) ، تولیکا (رامیان) ، خج در غالب نقاط شمال و خاخاجه خج (درگیلان) .

بصورت درختچه‌هایی به ارتفاع کم است و میوه‌هایی کوچک با طعم خیلی ترش تولید می‌کند. از فشردن دانه انار وحشی، آب انار تهیه می‌شود که پس از تغلیظ، بنام رب انار به مصرف ترش کردن اغذیه می‌رسد. پوست ریشه و ساقه انار، تانن فراوان و آلکالوئیدهای مختلف دارد که یکی از آنها پله‌تیرین *Pellétierine* است.

پوست انار، دارای تانن فراوان است و در دباغی مصرف جاری دارد. درخت انار در نقاط مختلف ایران پرورش می‌یابد. انواع وحشی آن در نواحی شمالی و در نقاط دیگر ایران بطور فراوان یافت می‌شود.

درخت انار را به زبان انگلیسی *Pomegranate* و در فرانسه *Grenadier* و به عربی

رمان نامند.

۳- آبی = به = بی

درخت به از تیره (گل سرخ) *Rosaceae* و به نامهای علمی *Pyrus cydonia* و

Cydonia oblonga و *Cydonia vulgaris* نامیده می‌شود.

درختی است با ارتفاع ۵ تا ۸ متر دارای برگ‌هایی پهن و سبز، ساده، تقریباً کامل و گل‌های منفرد، به رنگ سفید و یا صورتی. میوه آن پوشیده از کرک‌های پنبه به رنگ زرد و دارای بوی مطبوع و طعمی شیرین و یا کمی ترش و قابض است. درون بر میوه، محتوی دانه‌های فراوانی در یک لعاب چسبنده است. لعاب دانه به مصارف مختلف در صنعت دارد.

آب به که از فشردن قطعات آن تهیه می‌شود، طعم مطبوع و قابض دارد.

درخت به از جمله درختان مفیدی است که پرورش آن در غالب نقاط ایران معمول می‌باشد.

درخت به را در زبان انگلیسی *Quince tree* و در زبان فرانسوی *Cognassier* و

Coignassier و به عربی **سفرجل** نامند.

نامهای محلی در نقاط مختلف کشور به نامهای زیر خوانده می‌شود:

آیوا (آستارا)، هیوا (آستارا و حوالی آن)، شغال به و شال به (مازندران - رامیان -

کتول)، توج (در لاهیجان و رودسر)، سنگه (راسر و شهسوار).

۴- آثرون یو.

به معنی سماق

سماق از تیره پسته *Anacardiaceae* و نام علمی آن *Rhus coriaria* می‌باشد.

۱- نامهای محلی آن در همه جا نار و انار می‌باشد و در کردستان آنرا هنار می‌نامند.

درختچه ایست که دارای برگهای ساده و یا مرکب بوده و برگهای مرکب آن تا ۱۸ سانتیمتر می رسد و دارای ۹ تا ۱۵ برگچه است و هر برگچه در حدود ۳ تا ۷ سانتیمتر طول دارد و گل آذین آن خوشه ای و حنائی رنگ است و برگهای آن نیز در پائین حنائی رنگ می شود . برگ آن دارای ۱۳ درصد سازو است و در صنعت چرم سازی بکار می رود و میوه آن ترش مزه با طعم قابض است که سائیده آن بعنوان چاشنی غذا مخصوصاً در چلو کباب مصرف می شود .

نام های محلی آن در نقاط مختلف ایران سماق است . و در کتب تنم ، تمتم ، تتری ، لش ، سماق معمولی ، سماق شکی و سماق شهری نام برده شده است .

نام انگلیسی آن Sumach و نام های فرانسه آن Vinaigrier و Sumac Vinegrier و به عربی آن را سماق نامند .

۵- آذرباس عبر .

ثافیسا

— نام علمی آن Thapsia garganica

— به زبان انگلیسی Smooth thapsia و Driasplant

— به زبان فرانسه Thapsie, Faux fenowl

— به زبان عربی ثافیسا و ادریاس و دریاس و دروست و دروس نامند .

گیاهی است با برگهای مرکب و گل های سفید در اطراف سدیترا ند می روید و از آن روغنی استخراج می شود که به مصرف استعمال خارجی می رسد .

۶- آذرگون آذربو

این گل از تیره (گل مینا Compositae) و نام علمی آن Calendula officinalis است . این تیره از سهم ترین تیره های گیاهان گلدار و در حدود ۱۰۰۰ جنس و ۲۰۰۰۰ گونه گیاه می باشد و در تمام نقاط دنیا تقریباً وجود دارد و عموماً علفی و یکساله هستند و بندرت بصورت درختچه های کوچک یا درخت درسی آید .

این گل در عرف معمول زبان فارسی و بین باغبانان به نام همیشه بهار نامیده می شود و در کتب به نام های همیشه بهار ، همیشه بهار باغی ، آذرگون ، آذربو آمده است .

نام های انگلیسی آن Pot marigold, Hen and chicken

« فرانسه « Souci des jardins

« عربی « قوقحان ، افحوان ، زبیده

انواع گل همیشه بهار در حدود ۲۰۰ گونه می باشد .

۷- آردکنار

سویق النبق

کنار (باضم ك) بمعنی سدر است که نام علمی آن *Zizyphus Spina-Christi* می باشد و آرد کنار یعنی سدر سائیده که به مصرف شست و شو و مخصوصاً شست و شوی سوری سر می رسد این درخت از تیره (عناوب) *Rhamnaceae* می باشد.

درخت کنار به ارتفاع ۶ تا ۱۰ متر و متجاوز از ۰٫۵ گونه و معمولاً در مناطق گرمسیر می رویند. برگهای متناوب با گلهای نر و ماده توأم می باشد و میوه آنها به صورت شفت و محتوی یک دانه سخت می باشند. در ایران علاوه بر استانهای جنوبی، در لرستان و بعضی نقاط آذربایجان و کوهستانهای سواحل بحر خزر نیز می روید.

- نام های انگلیسی *Christ's thorn, Nabk tree.*

« فرانسوی *Epine du Christ, Nabca.*

« عربی شجر النبق ، السدر

نام محلی این درخت نیز در نقاط جنوب کنار است و در کتب به ناسهای کنار ، سدر ، سدره ، نبیل داود ، سنجد گرجی ، نیم ، ضال ، ببر و شجرة النبق گفته شده است.

باید دانست چوب کنار مانند چوب آزاد قابل ارتجاع است و از آن کندز می سازند که مانند چان چو (اصطلاح رشت) برای حمل بار بکار می رود.

پوست درخت کنار نیز دارای مقداری تانن است و در جنوب آن را بمصرف دباغی می رسانند.

۸- آردوج

درخت ابهل

درخت ابهل که آن را بفارسی **مای هرز** و در سازندران (نور و کجور) **ریس** نامند، از تیره سرو *Cupressaceae* و نام علمی آن *Juniperus sabina* می باشد. درخت یا درختچه هائی دوپایه و یا به صورت گیاهان کم ارتفاع می باشند. پوست ساقه آنها نازک و معمولاً به صورت نوار یا قطعات کوچک و مربع شکل از ساق جدا می شود. برگ آنها باریک، نولک تیز، مثلثی شکل و فلس مانند است. میوه آنها گرد، کوچک و سیاه رنگ یا گرد کبود است و در سابق بنام ابهل برای سقط جنین بکار می رفته است.

نام های انگلیسی *Sabine, Savin.*

« فرانسوی *Sabine, Sabinier, Savinier.*

« عربی ابهل ، سبینه ، صفینیه

و نامهای بومی آن **مای مرز** (در راسیان) ، ریس (در نورو کجور) ، لمبیر (در سوادکوه) می باشد و دانه های آن به نام ابهل دارای مصارف پزشکی است و در سایر کتب قدیمه هم صفینیه و ابهل نام برده شده است .

۹- آرن یو .

لوف الکبیر

لوف از خانواده کدو Cucurbitaceae و به نام علمی Luffa از گیاهان مخصوص برخی نواحی افریقا ، امریکا ، هند و شامل متجاوز از ۱۰ گونه می باشد . دارای میان بر میوه ، گاهی دارای الیاف فیبری فراوان است ، در این حالت پس از خشکیدن و از بین رفتن قسمت گوشتدار میوه ، نوعی اسفنج (اسفنج گیاهی) از آن بدست می آید .

نام انگلیسی آن Towel gourd

نام های فرانسه Torchon, Louffa, Luffa

« عربی لوف ، لیف ، فیلاجوش

به فارسی آن را لوف و ابر گیاهی نامند .

۱۰- آرن صارن یو .

لوف الصغیر

به شماره ۹ آرن مراجعه شود .

دنباله دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی